

تپه شریف آباد، محوطه‌ای استقرار در کرانه رودخانه گاماسیاب زاگرس مرکزی

دکتر علی نوراللهی^۱

چکیده

تپه شریف آباد یا سلگی (A&B) از محدود محوطه‌های استقرار وسیع و بزرگ حوزه رودخانه گاماسیاب در دشت نهاوند است. این محوطه محل تلاقی راه‌هایی باستانی و قدیمی است که از صحنه، هرسین و کنگاور به سمت نهاوند و محوطه گیان می‌رود. در بررسی این محوطه، سفالینه‌هایی از دوره مفرغ قدیم (گودین IV - یانیق - کورا ارس) و سفال‌های مربوط به گودین II, III و سفال‌های دوران تاریخی به دست آمد. مطالعه این سفال‌ها نشان از تبادلات فرهنگی گسترده ساکنان این محوطه استقراری در دوران‌های مفرغ و آهن با نواحی شمال غرب و نواحی همجوار دارد. علاوه بر این، بررسی وضعیت پیرامونی این محوطه استقراری چشم‌انداز کاملی از شیوه معیشت و استفاده از منابع زیستی و تعامل با محیط را در اختیار ما می‌گذارد. از جمله دلایل مکان‌یابی و توسعه این استقرار در دوره مفرغ و آهن که متأثر از منابع آب و دسترسی آسان‌تر به آن (کانال‌های آبرسانی) و زمین‌های حاصلخیز کشاورزی بوده، مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله ضمن ارائه مختصری از وضعیت جغرافیایی منطقه و تاریخچه پژوهش‌های باستان‌شناسی انجام شده در نهاوند، وضعیت محوطه شریف آباد، شناسه‌های فرهنگی آن بررسی، توصیف، تحلیل و گاه‌نگاری شده است. **واژگان کلیدی:** زاگرس مرکزی، عصر مفرغ، عصر آهن، دشت نهاوند، تپه شریف آباد.

^۱ alinorallahy@yahoo.com

درآمد

شهرستان نهاوند از شهرستانهای استان همدان است که درفاصله ۱۲۵ کیلومتری جنوب همدان قرار گرفته و شهر نهاوند در دامنه شمال کوه گرین و در جلگه‌ای نسبتاً مرتفع بنا شده است.^۲ رودخانه گاماسیاب از دو کیلومتری جنوب و یک کیلومتری غرب آن می‌گذرد (فرهنگ جغرافیایی همدان، ۱۳۸۰: ۴۵۵). در شمال آن کوه سفید، کوه ملوسان، برجک، آردیشو، قیثل باروداب عشوند و در جنوب آن کوه گرو واقع شده است (سیدان، ۱۳۷۹). در بین این کوه‌ها دشت حاصلخیز نهاوند به عرض ۴ تا ۱۲ کیلومتر واقع شده است (افراسیاب پور، ۱۳۸۱). این دشت از شمال به ملایر و توسرکان، از غرب به دره کنگاور و از جنوب با استان لرستان همجوار است. از نظر زمین‌شناسی به سه قسمت کوهستانی، دشت جلگه‌ای، جنگل‌های درختی و درختچه-ای تقسیم می‌شود (شایان، ۱۳۷۸). همچنین، در طول این دشت سراب‌ها و چشمه‌های متعدد دائمی و فصلی وجود دارد. مهم‌ترین آن‌ها سراب گاماسیاب و سراب گیان می‌باشد که سرچشمه اصلی رودخانه گاماسیاب است. این رودخانه نقش مهمی در زه‌کشی دشت نهاوند دارد، به طوری که بیشتر روستاهای این ناحیه در حاشیه یا کنار یکی از سرشاخه‌های منتهی به رودخانه شکل گرفته‌اند و باعث رونق کشاورزی و باغداری شده است. این رودخانه دارای انواع ماهی‌ها و صدف‌های آب شیرین است که امروزه تعدادی از مردم و روستائیان با صید ماهی از آن بخشی از نیازهای خود را برطرف می‌کنند. این رودخانه پس مشروب ساختن دشت به سمت غرب جریان می‌یابد. سپس

^۲. کوه گرین - در قسمت مشرف به سرچشمه گاماسیاب - با ارتفاع ۳۱۸۸ متر و پست‌ترین نقطه نهاوند که پست‌ترین نقطه استان نیز محسوب می‌شود، محل خروج رودخانه گاماسیاب از استان همدان با ارتفاعی معادل ۱۴۲۰ متر از سطح دریاست.

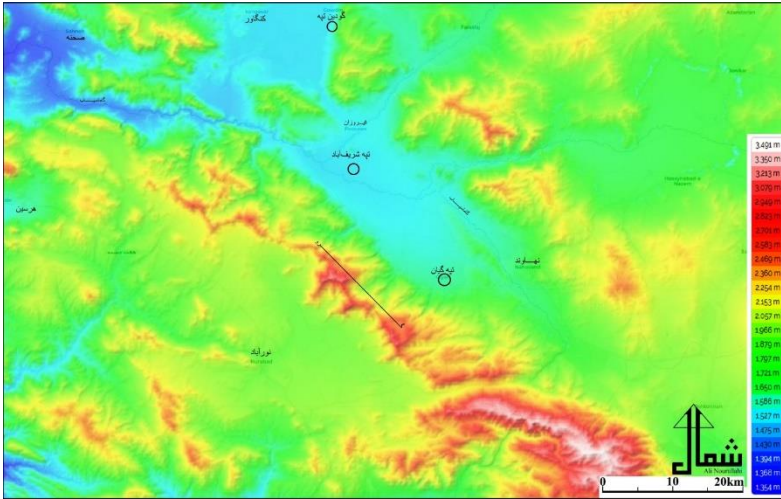
وارد گنگاور می‌شود و از آنجا به بعد آب‌های دیگری از جمله قره‌سو و رزآور به آن می‌پیوندند و در استان ایلام سیمره نامیده می‌شود. سپس، رود کشکان و آب‌های دیگری به آن می‌ریزد و کرخه نام می‌گیرد. این رودخانه در شکل‌گیری فرهنگ‌های پیش از تاریخ و تاریخی زاگرس مرکزی نقش مهمی داشته است (نوراللهی، ۱۳۹۴: الف). این رودخانه در اقلیم و آب و هوای نهاوند نیز تاثیر زیادی گذاشته و سرمای زمستانی و گرمای تابستانی این دشت را تا حدود زیادی تعدیل کرده و به همین دلیل آب و هوای این ناحیه جزو معتدل کوهستانی به حساب می‌آید؛ به گونه‌ای که در بین شهرستان‌های استان همدان، کوتاه‌ترین دوره یخبندان در این منطقه رخ می‌دهد (شکل ۱). تاریخ پژوهش‌های باستان‌شناسی این منطقه به بیش یک سده پیش (دوره ناصرالدین شاه قاجار) برمی‌گردد که در تپه بابا قاسم در شرق نهاوند دست به حفاری زد و لطمات جبران‌ناپذیری به این محوطه وارد آورد. اما کاوش‌های علمی به بررسی هرتسفلد (۱۹۲۸م) برای کشف منشأ ظروف سفالین و اشیای مفرغی تپه گیان که از حفاری‌های قاجاق به دست آمده بودند و در آن زمان محل کشف آنها ناشناخته بود، برمی‌گردد. این ظروف سفالی توجه هرتسفلد را به خود جلب کردند. وی همان سال طی بررسی باستان‌شناسی در شرق لرستان موفق به شناسایی تپه گیان شد (Herzfeld, 1929). چند سال بعد (پاییز سال ۱۹۳۱ تا اوایل سال ۱۹۳۲م) این محوطه را جورج کنتنو و رومن گیرشمن، باستان‌شناسان فرانسوی که از سوی موزه لوور پاریس اعزام شده بودند، در دو فصل مورد کاوش قرار دادند و نتایج آن را در سال ۱۹۳۵م منتشر کردند (Contenau and Ghirshman, 1935). تپه گیان ۳۵۰ متر طول و ۱۵۰ متر عرض دارد و ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف ۱۹ متر است. کاوش این محوطه به روش متریک انجام شده که در طی آن تعداد ۱۲۲ گور، پنج طبقه فرهنگی،

چهار مرحله معماری، انواع ظروف سفالین سالم و شکسته، انواع ابزار و اشیای فلزی، زیورآلات مختلف و غیره کشف گردید. کاوشگران پنج ترانسه در این محوطه ایجاد کردند و هر کدام از آنها را با حروف لاتین نامگذاری کردند، خاک بکر در عمق ۱۹ متری از سطح محوطه مشخص شد. کاوشگران برای اطمینان بیشتر کاوش را تا عمق ۲۱/۵ متری از سطح محوطه ادامه دادند (Contenau and Ghirshman 1935: 4-7).

سر اوئل استین در سال ۱۹۳۸-۱۹۴۰ م. دو محوطه چغا صیفل و جمشیدی را در این منطقه شناسایی کرد (Stain, 1940). خانم کلرگاف این منطقه را بررسی و سفال‌های این منطقه را معرفی نموده است (Goff, 1971). همچنین، جودیت پولار این منطقه و دشت‌های همجوار را برای شناسایی استقرارهای نوسنگی به صورت محدود بررسی کرد (Pular, 1975) و اقدام به کاوش تپه عبدالحسین کرد (Pular, 1990). در سال ۱۳۷۹ هـ.ش. محمود ایراندوست برای شناسایی آثار دوره ساسانی این ناحیه را مورد بررسی قرار داد (ایراندوست، ۱۳۷۹). با توجه به مشکلات لایه نگاری محوطه گیان که به روش متریک انجام شده بود و لایه‌های آن مشخص نبود، در تابستان و پائیز سال ۱۳۸۲ هـ.ش توسط مهرداد ملکزاده مورد کاوش بازننگری قرار گرفت که در طی آن به تعیین عرصه و حریم محوطه، گمانه زنی، لایه نگاری در مرکز تپه و کاوش پیگردی و بازشناسی گاه نگاری محوطه پرداخت و آثاری متعلق به عصر آهن III (کوشکی به سبک آشوری-مادی مربوط به تاریخ ۹۰۰ تا ۶۰۰ پ.م) شناسایی گردید (ملکزاده، ۱۳۸۳). سپس، این منطقه (بخش خزل و فیروزان) توسط یعقوب محمدی فر و عباس مترجم در سال ۱۳۸۲ مجدد مورد بررسی قرار گرفت که در طی این بررسی ۴۴ محوطه مربوط به دوران‌های پیش از تاریخ تا اسلامی بررسی و معرفی شد (محمدی فر و مترجم، ۱۳۸۲). محمدرضا سعیدی هرسینی در سال ۱۳۸۴ دشت نهاوند را بررسی

کرد. در طی آن از ۳۶ محوطه بازدید شد که آثار آن از دوران مس سنگی تا دوران اسلامی را در برمی گرفت. از میان آنها ۱۶ محوطه، معرف آثار عصر مفرغ در منطقه بود (سعیدی، ۱۳۸۴؛ طلایی و دیگران، ۱۳۸۵). در همین سال (۱۳۸۴ ه.ش) معبد لاوئودیکه و دوخواهران توسط مهدی رهبر کاوش شد (رهبر و علی بیگی، ۱۳۹۰). در سال ۱۳۸۴، علی نوراللهی (به عنوان همکار) و نعمت الله سراقی تمام دشت نهاوند را مورد بررسی قرار دادند که در نتیجه این بررسی ۱۲۴ محوطه، مربوط به ادوار پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی شناسایی گردید (سراقی، ۱۳۸۵). همچنین، در سال ۱۳۹۰ ه.ش. علی خاکسار، پروژه تعیین عرصه و پیشنهاد حریم تپه گیان را به انجام رساند که طی آن ۲۷ گمانه آزمایشی حفاری شد (خاکسار، ۱۳۹۱) و یک تدفین از عصر مفرغ میانی (گیان IV و III) در این گمانه زنی‌ها به دست آمد (Hemati & Khaksar, 2013). این محوطه دارای وسعت زیادی است و از دوبخش جنوب غربی و شمال شرقی تشکیل شده و بخش جنوب غربی آن (A) ۵ متر بلندتر از بخش دیگر (B) است. بنابراین، برای سهولت در معرفی آن این دو بخش محوطه جدا از هم در این نوشتار مورد مطالعه قرار گرفتند. هرچند از نظر داده‌های سفالی و سطحی این دو بخش متعلق به یک دوره هستند و سفال‌های مختلف آنها با هم مشابه بوده و نشان دهنده استقرارهای همزمان در دوران‌های مختلف است. در این مقاله ضمن ارایه مختصری از وضعیت جغرافیایی و طبیعی نهاوند و تاریخچه بررسی‌ها و کاوش‌های انجام شده در این منطقه به بررسی و معرفی محوطه استقرار شریف‌آباد و چشم‌انداز آن در کرانه شمالی رودخانه گاماسیاب اقدام شده است. در ادامه مجموعه سفال‌های بدست آمده از بررسی میدانی سال ۱۳۸۴ و بازدید از محوطه در زمستان سال ۱۳۹۳

معرفی شده است. تحلیل و گاه نگاری شناسه‌های فرهنگی و جمع بندی کلی مطالب نیز ارائه شده است.



شکل شماره ۱: دشت نهاوند و ارتفاعات آن و موقعیت تپه شریف آباد (ع.نوراللهی).

تپه شریف آباد

روستای شریف آباد در ۲۸ کیلومتری غرب نهاوند قرار دارد و جزء بخش خزل است. ساکنان این روستا یکی از طوایف ایل خزل بنام سلگی و خزایی می‌باشند و مردمان آن دارای شیوه معیشتی کشاورزی (آبی و دیم) و دامداری هستند. این روستا در قرن اخیر تغییرات زیادی کرده، به طوری که روستای قدیمی بر روی تپه شریف آباد متروک شده و روستای جدیدی در دامنه‌های شرقی تپه ایجاد گردیده و توسعه یافته است. تپه شریف آباد (تپه سلگی) در ضلع غربی روستای امروزی شریف آباد و ۴۰۰ متری کرانه شمالی گاماسیاب واقع شده است. این محوطه در ۲۰ کیلومتری شمال غرب محوطه گیان و ۲۲/۵ کیلومتری جنوب گودین تپه کنگاور قرار دارد. در نزدیک و تقریباً ابتدای کریدور کوچکی است که دشت نهاوند را به دشت کنگاور متصل می‌کند.

طول (شرقی — غربی) محوطه ۴۰۰ متر و عرض (شمالی- جنوبی) ۳۹۰ متر است و از دو بخش جنوب غربی و شمال شرقی تشکیل شده و بخش جنوب غربی آن (A) به صورت تپه‌ای، مخروطی ۵ متر بلندتر از بخش دیگر (B) است. در مجموع امروزه این محوطه حدود ۴/۲ تا ۴/۵ هکتار وسعت دارد. احتمالاً وسعت محوطه بیشتر بوده که در اثر عوامل انسانی و طبیعی، کمتر شده است (شکل ۲).

شریف آباد A

در غرب روستای شریف آباد که در محل به تپه بزرگ شریف آباد (سُلگی) معروف است و در ارتفاع ۱۴۷۰ متری از سطح دریا واقع شده است به صورت مخروطی و با شیب نسبتاً تند به زمین‌های اطراف منتهی می‌شود و مقطعی بیضی شکل به طول ۲۸۰ متر و عرض ۱۹۰ متر و ارتفاع آن از سطح جاده خاکی کنارش ۱۷ متر و از سطح تپه کوچک شریف آباد (B) ۵ متر دارد. در ضلع غربی این بخش خاک‌های زیادی هر ساله توسط کشاورزان با تراکتور برای تسطیح زمین‌های کشاورزی (به ویژه زمین‌های آبی که نیاز است تمام بخش‌های آن هنگام آبیاری همسطح باشد) برداشت می‌شود. آثار و بقایای خاک‌های برداشت شده، به صورت تراشه‌های عمیق و وسیع دیده می‌شوند. علاوه بر این مورد که جهت غنی‌سازی و کوددهی به زمین‌ها صورت می‌گیرد، ساکنان روستا از خاک محوطه برای ساختن خانه‌ها و اندود دیوارهای گلی استفاده می‌کنند. در بخش‌های مختلف و بخش فوقانی محوطه چاله‌هایی توسط حفاران غیر-مجاز در شمال و جنوب تپه حفر گردیده است (شکل ۳-۱۰). دسترسی به محوطه از طریق جاده آسفالته که از روستای کهریز جمال به سمت روستای شریف آباد کشیده شده، میسر است. در فصل تابستان کوچ‌نشان (ترکاشوندها) که از نواحی گرمسیر برمی‌گردند، در میان زمین‌های کشاورزی نزدیک محوطه همراه دام‌هایشان تا اواسط

پائیز به سر می‌برند. رودخانه گاماسیاب در ۴۰۰ متری غرب آن با جهت جنوبی - شمالی در جریان است، این محوطه از استقرار حوضه رودخانه مذکور به شمار می‌رود. از دلایل شکل‌گیری محوطه در این نقطه این است که جریان رودخانه گاماسیاب در اینجا کم می‌شود. علاوه بر این، رودخانه در اینجا با یک خمیدگی به سمت جنوب غرب تغییر مسیر می‌دهد. جریان آب در این نقطه تقریباً بر دشت سوار است و جدا کردن نهرها و کانال آب از آن برای کشاورزی راحت است. این نهرها و کانال‌های آب که از گاماسیاب منشعب کرده‌اند، آب مورد نیاز را از ۱/۵ کیلومتری جنوب شرق محوطه تا داخل روستا و زمین‌های قابل کشت می‌رساند و کانال‌ها هر ساله توسط اهالی لایروبی می‌گردند. احتمالاً کانال‌های آبرسانی قدمت زیادی دارند و به گمان توسط ساکنان این محوطه در عصر مفرغ و آهن ایجاد و در دوران تاریخی توسعه و گسترش یافته‌اند و امروزه روستائیان از آنها بهره‌برداری می‌کنند. در ۳۵۰ متری جنوب شرق محوطه تلی از رسوبات آبرفتی به صورت هلالی وجود دارد که متعلق به بستر قدیمی رودخانه گاماسیاب است. این موضوع نشان می‌دهد که در گذشته رودخانه در این نقطه بارها در طغیان‌های شدید تغییر مسیر داده است. به گمان، ساکنان اولیه محوطه از این موضوع آگاهی داشته‌اند، به طوری که هنگام مکان‌یابی حریم سیل‌خیزی رودخانه را مدنظر داشته‌اند. این فاصله بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ متر تقریباً فاصله مناسبی برای در امان ماندن از طغیان‌های ناگهانی این رودخانه بوده است (شکل ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶).

تحلیل داده های سفالی

خمیره سفال‌های مفرغ قدیم (گودین IV)، خاکستری با تمپر شن نرم است. حرارت برای پخت این سفال‌ها زیاد بوده و چرخ ساز می‌باشند. این سفال‌ها صیقل داده شده‌اند

و از لحاظ ضخامت در طیفی از ظریف و متوسط هستند. فرم سفال‌ها (کاسه لبه برگشته به بیرون) با بدنه شکم دار است (شکل ۱۱: طرح ۱۰ و ۹ و ۸). کفه تخت (شکل ۱۱: طرح ۵)، کاسه‌های دسته دار (شکل ۱۱: طرح ۱۲) می‌باشد. این سفال‌ها از نظر فرم و شکل با سفال‌های بدست آمده از یانیک تپه (Burny, 1964)، گوی تپه (Brown, 1951)، لرستان شرقی (Young & Smith, 1966) و دوره IV گودین تپه کنگاور (Rothman, 2011; Henrickson, 1989) قابل مقایسه هستند. در دشت نهاوند ۱۶ محوطه دارای این نوع سفال (یانیق - کورا ارس) شناسایی شده‌اند. بیشترین تعداد محوطه‌ها در بخش غربی دشت واقع شده‌اند (طلایی و دیگران ۱۳۸۵). سفال‌ها شاید بیانگر جامعه‌ای کوچ‌نشین در محوطه دوره گودین IV باشد؛ زیرا مطالعات پتروگرافی که بر روی این نوع سفال انجام شده، این احتمال را قوت بخشیده که مردمان آن دوره دارای زندگی مبتنی بر کوچ بوده‌اند (Mason & Cooper, 1999). امروزه کوچ‌نشینان و عشایر ترکاشوند با برگشت از گرمسیر (نواحی شمالی خوزستان) در مدت اطراق خود، در غرب دشت نهاوند به سر می‌برند. از دلایل آن دسترسی به آب فراوان، پس‌چر مزارع و پوشش گیاهی مناسب این بخش از سایر بخش‌های نهاوند است (بنگرید به نوراللهی، ۱۳۹۰؛ طلایی و دیگران، ۱۳۹۳).

سفال‌های منقوش مفرغ میانی و جدید (گودین ۶-III): خمیره این سفال‌ها نخودی با تمپرشن نرم است و حرارت برای پخت آن‌ها کافی بوده و چرخ‌ساز می‌باشند و از لحاظ ضخامت در طیفی از ظریف، متوسط و خشن هستند. نقوش با رنگ سیاه و قهوه‌ای بر روی زمینه نخودی ترسیم شده است. تزئینات شامل: نوارهای پهن و باریک افقی بر روی لبه داخلی و بیرونی و بدنه ظروف (شکل ۱۱: طرح ۱۹ و ۱۸ و ۱۳ و ۷)، دوایر متحدالمرکز (شکل ۱۱: طرح ۱۵)، نوارهای باریک و پهن افقی به همراه خطوط

مواج (شکل ۱۱: طرح ۴)، نوارهای باریک و پهن بر روی لبه داخلی و بیرونی به همراه خطوط متقاطع بر روی بدنه ظروف (شکل ۱۱: طرح ۱۴)، نقوش کنده دایره‌ای (شکل ۱۱: طرح ۶)، نقوش برجسته هلالی زیر لبه ظریف (شکل ۱۱: طرح ۲) می‌باشد. فرم سفال‌ها شامل بدنه ساده (شکل ۱۱: طرح ۱۵ و ۴)، لبه برگشته به بیرون با بدنه شکم دار (شکل ۱۱: طرح ۱۹ و ۱۸ و ۱۴ و ۲۷)، لبه تخت با بدنه اریب (شکل ۱۱: طرح ۱۳) و یک قطعه دسته ظرف (شکل ۱۱: طرح ۶) می‌باشد. این سفال‌ها با سفال‌های گودین III (Young, 1969, 1974; Henrickson, 1984, 1986)، باباجان لرستان (Goff, 1971)، و گیان (Contenau and Ghirshman, 1935) و سفال‌های به دست آمده از ماهیدشت، خوزستان، بین‌النهرین و شوش IV_A و V_b (هول ۱۳۸۱)، تپه نورآباد لرستان (سیدسجادی و سامانی ۱۳۷۸)، دشت تویسرکان، اسدآباد و کنگاور (محمدی فر و مترجم ۱۳۸۲)، و دشت ملایر (Howell, 1979) و سفال‌های بره فراخ نهاوند (Henrickson, 1986) و سفال‌های عصر مفرغ تپه ازنهری (هژبری و میرقادری ۱۳۹۲) قابل مقایسه‌اند. تعدادی سفال با پوشش گلی قرمز غلیظ جمع آوری شد که دارای تمپر ماسه بودند و به علت حرارت کم پخت سفال مغز آنها سیاه بود و در روی برخی از سفال‌ها که شاخص نبودند، اثر حرارت دیده می‌شد. احتمالاً این نوع سفال‌ها در کوره‌های باز پخته شده-اند. این نوع سفال با پوشش قرمز غلیظ در گودین III₄₋₆ بدست آمده است (هنریکسون، ۱۳۸۱). این گونه ظروف سفالی و کاسه‌های با پوشش قرمز غلیظ در دوره گودین II نیز مرسوم بوده و ساخت آنها ادامه پیدا کرده است (بنگرید به Gopnik, 2011)؛ اما فرم لبه آن‌ها با سفال‌های قرمز براق گودین III₄₋₆ تا حدودی متفاوت است که به کاسه یا ظروف لبه مثلثی (Triangle Ware) شناخته می‌شوند

(بنگرید به Khatchadourian, 2018). این ظروف در دورهٔ هخامنشی تا اوایل دوره اشکانی نیز مرسوم بوده‌اند (Dyson, 1999).

سفال‌های عصر آهن (گودین II): سفال‌هایی با خمیرهٔ نخودی با تمپر ماسه نرم هستند و حرارت برای پخت این سفال‌ها کافی و چرخ ساز می‌باشند و از لحاظ ضخامت متوسط هستند، فرم این سفال‌ها شامل: کاسه‌های دهانه باز (شکل ۱۱: طرح ۱، ۳، ۱۶ و ۱۷)، لبه‌های عمودی می‌باشد (شکل ۱۱: طرح ۳)، (بنگرید به- Gopnik, 2011: 285؛ 311؛ Gopnik, 2000). این سفال‌ها با سفال‌های گوی تپه A (Brown, 1951)، حسنلو IV (Dyson & Muscarella, 1989)، دینخواه II (Muscarella, 1974) هفتون IV (Burny, 1973)، باباجان III (Goff, 1971)، نورآباد، ماهیدشت، هلیلان و رومشگان و نواحی همجوار قابل مقایسه می‌باشند. سفال‌های دوره اسلامی از سطح محوطه سفال‌هایی با لعاب سبز رنگ (کفه‌های پایه دار) و سفال‌هایی با نقاشی زیر لعاب (نقوش به صورت خطوط افقی به رنگ قهوه‌ای زیر لعاب سبز) به دست آمد.

شریف آباد B

بخش شریف آباد (B)، ادامه بخش جنوبی‌تر (شریف آباد A)، است. در محل به تپه کوچک شریف آباد (B) معروف است و در واقع ادامه آن است. در ارتفاع ۱۴۷۰

^۲- بعدها مطالعات شاگردان دایسون و بازنگری داده‌های حاصل از کاوش‌های لایه ۵ حسنلو که این بازنگری توسط مایکل دانتی صورت گرفت. در برآیندهای تاریخ‌های کربن ۱۴ دایسون در حسنلو، تاریخ‌گذاری‌های پیشین دچار دگرگونی شد. برپایه بازنگری انجام یافته، دورهٔ حسنلوی ۵ دیگر عصر آهن I محسوب نمی‌شود و مربوط به دورهٔ مفرغ پایانی است. بنابراین تاریخ آغاز این دوره در محوطه حسنلو ۱۲۵۰ پ.م. میلاد تعیین شد که مبنایی برای گاهنگاری عصر آهن در کل فلات ایران محسوب می‌شود (Danti & Cifarelli, 2015; Danti, 2013a; Danti, 2013b).

متری از سطح دریا واقع شده است. از نظر وضعیت توپوگرافی تپه دارای شیب ملایم به تمام جوانب است و سطح قاعده آن تقریباً بیضی شکل به طول شرقی - غربی ۳۶۰ متر و عرض شمالی - جنوبی ۱۶۰ متر و ارتفاع آن از سطح جاده کنارش ۱۲ متر است. بر روی محوطه آثار بقایای منازل مسکونی روستای قدیم شریف آباد - که احتمالاً در اثر زلزله سال ۱۳۳۷ تخریب شده - وجود دارد، این بناها همگی از خشت و چینه ساخته شده‌اند. در میان دیوارهای خشتی و چینه‌ای سفال شکسته‌هایی به صورت پراکنده دیده می‌شود. هرساله کشاورزان برای کود دهی و تسطیح زمین‌های خویش از خاک بخش شرقی و شمالی و فوقانی و بخش‌های دیگر تپه برداشت می‌کنند، یکی از دلایل کم بودن ارتفاع این بخش نسبت به بخش A را می‌توان همین موضوع دانست. آثار این برداشت‌ها به صورت ترانشه‌های با عمق حدود ۴ تا ۵ متر و طول عرض بیش از ۱۰ متر باقی مانده است و هرساله بر وسعت و عمق و پیشروی این ترانشه‌ها افزوده می‌شود، این موضوع در کنار برداشت خاک محوطه برای خانه‌سازی خود گویای عمق تخریبی است که هر ساله در این محوطه صورت می‌گیرد. آثار حفاری‌های قاچاق نیز، بر روی محوطه دیده می‌شود که باعث تخریب قسمت‌هایی سالم یا کمتر دست خورده از آن گردیده است (شکل ۶-۷، ۹، ۱۰). هنگام بازدید در میان خاک‌های جا به جا شده لاشه سنگ‌ها و سنگ‌های رودخانه مشاهده شد که احتمالاً متعلق به پی دیوارهای منازل مسکونی بوده که بر اثر خاکبرداری تخریب شده‌اند. دسترسی به تپه فوق از طریق جاده آسفالتی که از روستای کهریز جمال به طرف روستای شریف آباد کشیده شده، میسر است. جاده فوق در ضلع شرقی تپه با جهت شمالی - جنوبی کشیده شده است و یک جاده خاکی روستایی نیز از روی این محوطه می‌گذرد که مورد استفاده اهالی روستا برای دسترسی به زمین‌هایشان در غرب محوطه است. در

شرق تلی کم ارتفاع رسوبی به طول ۳۸۰ متر و عرض ۹۵ متر (در پهن ترین بخش) به صورت غربی - شرقی وجود دارد که ارتفاع آن از زمین‌های اطراف ۳ تا ۴ متر است. در روی بخش غربی این بلندی گورستان اهالی قرار دارد. در بررسی آثار سطحی دال بر استقرار دیده نشد، احتمالاً تشکیل آن ناشی از رسوبات گاماسیاب هنگام طغیان و سیل بوده است (شکل ۲، ۶-۱۰).

تحلیل داده های سفالی

خمیره سفال‌های منقوش مفرغ میانی و جدید (گودین ۶-III) نخودی با تمپر ماسه نرم است. حرارت برای پخت این سفال‌ها کافی بوده و چرخ ساز می‌باشند. نقوش روی سفال‌ها با رنگ سیاه و قهوه‌ای بر روی زمینه نخودی ترسیم شده است. تزئینات شامل نوارهای افقی بر روی بدنه (شکل ۱۲: طرح ۱)، نقوش نواری بر روی لبه (شکل ۱۲: طرح ۲)، نقوش افزوده هلالی در زیر لبه (شکل ۱۲: طرح ۶)، نقوش نواری و موج با مثلث‌های هاشور زده (شکل ۱۲: طرح ۸)، نقوش نواری و موج به همراه نقوش دالبری (شکل ۱۲: طرح ۱۱)، نقوش نواری باریک با نقوش دالبری و خطوط موج و نقوش گیاهی بر روی بدنه ظروف (شکل ۱۲: طرح ۹) بوده است. نقش استلیزه یک بز با نقوش نواری و موج، نقوش نواری و خطوط موج با دواير متحدالمرکز، نقوش حیوانی شامل: پرندگان - که سر آنها به سمت چپ است -، خطوط موج با نقوش نواری، نقوش نردبانی بر روی دسته یک ظرف، نقوش نواری پهن و باریک افقی و عمودی به همراه خطوط موج است. فرم این سفال‌ها شامل کاسه با لبه‌های ساده قائم (شکل ۱۲: طرح ۱۰-۱۳)، برگشته به بیرون با بدنه شکم دار (شکل ۱۲: طرح ۷) و بدنه‌هایی که اکثر شکسته‌اند و نقش برجسته‌ای به صورت افقی بر روی آنها دیده می‌شود (شکل ۱۲: طرح ۶).

این سفالها با سفال های هفتون IV (Hamlin, 1973)، طبقه IV دینخواه (Hamlin, 1974)، گیان (Contenau & Ghirshman, 1935)، گودین III (Young, 1969) ، تپه نورآباد لرستان (سیدسجادی و سامانی ۱۳۷۸)، تپه مرکزی باباجان لرستان (Goff, 1976)، دشت اسدآباد و تویسرکان و کنگاور (محمدی فر و مترجم ۱۳۸۲)، و دشت ملایر (Howell, 1979) و نواحی همجوار (بنگرید به Henrickson, 1986) قابل مقایسه اند. سفال های نخودی با پوشش لعاب گلی قرمز و تمپر ماسه نرم، حرارت برای پخت این سفال ها در برخی موارد ناکافی بوده و چرخ ساز می باشند. این سفال ها صیقل داده شده اند و از نظر ضخامت ظریف هستند. فرم این سفال ها شامل لبه های برگشته به بیرون با بدنه شکم دار، لبه های تخت با بدنه عمودی (شکل ۱۲: طرح ۱۰ و ۱۲ و ۱۳)، لبه های تخت با دسته عمودی (شکل ۱۲: طرح ۹)، سفال های با پوشش قرمز غلیظ شامل کاسه های دهانه باز و لبه برگشته به داخل می باشد. به علت حرارت ناکافی برای پخت سفال مغز آنها سیاه شده است. این گروه مشابه با سفال های فاز ماران^۴ با پوشش قرمز براق و گودین III₆ در گودین تپه است؛ اما سفال خوش ساخت صیقلی با پوشش قرمز نخستین بار در لایه III₅ پدیدار می شود (هنریکسون ۱۳۸۱: شکل ۵۹، ۷، ۹، ۱۲) و تا دوره گودین III₄ ادامه داشته است (هنریکسون ۱۳۸۱: ۴۱۴ و ۴۱۶؛ Henrickson 1984, 2011؛ نوراللهی ۱۳۹۴ ب) که همزمان با دوره شوش A هستند (Voight et al, 1992: 163).

سفال های آهن (گودین II): ظروفی با لبه برگشته با زاویه ای ملایم در بدنه با دو دسته کوچک چسبیده به بدنه (شکل ۱۲: طرح ۵) می باشد. این سفال ها همزمان و مشابه سفال

^۴ - این سفال ها برای اولین بار در کاوش های محوطه چغاماران کرمانشاه بدست آمدند.

های عصر آهن باباجان III (Goff, 1968) و سفال‌های ماهیدشت، هلیلان و رومشگان (Henrickson, 1986)، دشت ملایر (Howell, 1979)، گودین II در گودین تپه (Young 1969; Young & Levine, 1974)، دینخواه II (Muscarella, 1974)، گوی تپه A (Brown, 1951)، هفتوان IV (Burny, 1973) و (Young & Levine, 1974) می‌باشد.

سفال‌های دوران تاریخی: خمیره این سفال‌ها نخودی با تمپرشن با دانه‌های آهکی است که حرارت برای پخت آنها کافی بوده و چرخ‌ساز می‌باشند. فرم این سفال‌ها شامل خمیره‌های ذخیره آذوقه (شکل ۱۲: طرح ۴ و ۳)، ظروفی با لبه کمی برگشته به بیرون با زاویه ای ملایم در بدنه (شکل ۱۲: طرح ۷) است.

سفال‌های دوره اسلامی: خمیره این سفال‌ها نخودی با تمپرشن و ماسه است. حرارت برای پخت آنها کافی بوده و چرخ‌ساز می‌باشند. تزئینات نقوش برجسته نواری شامل: بدنه‌های ساده و دسته‌های اضافه شده به بدنه ظروف هستند.



شکل شماره ۲ الف: چشم انداز محوطه شریف آباد (ع. نوراللهی).



شکل شماره ۲: محوطه شریف آباد، آثار روستای قدیم (نوراللهی).



شکل ۲ج: چشم انداز محوطه شریف آباد، روستا، کانال‌های آبرسانی و محیط پیرامون (ع. نوراللهی).



شکل ۳: نمای غربی شریف‌آباد A، محل برداشت خاک آن توسط کشاورزان (ع. نوراللهی).



شکل ۴: نمای ضلع جنوبی و آثار حفاری قاچاق (ع. نوراللهی).



شکل ۵: نمای کلی ضلع جنوبی و کانال آبرسانی (ع.نوراللهی).



شکل ۶: نمای کلی محوطه و آثار جای خاک برداشت شده و بناهای خشتی روستای قدیم شریف آباد (ع.نوراللهی).



شکل ۷: نمایی از سطح فوقانی و چشم انداز شرق آن (ع.نوراللهی).



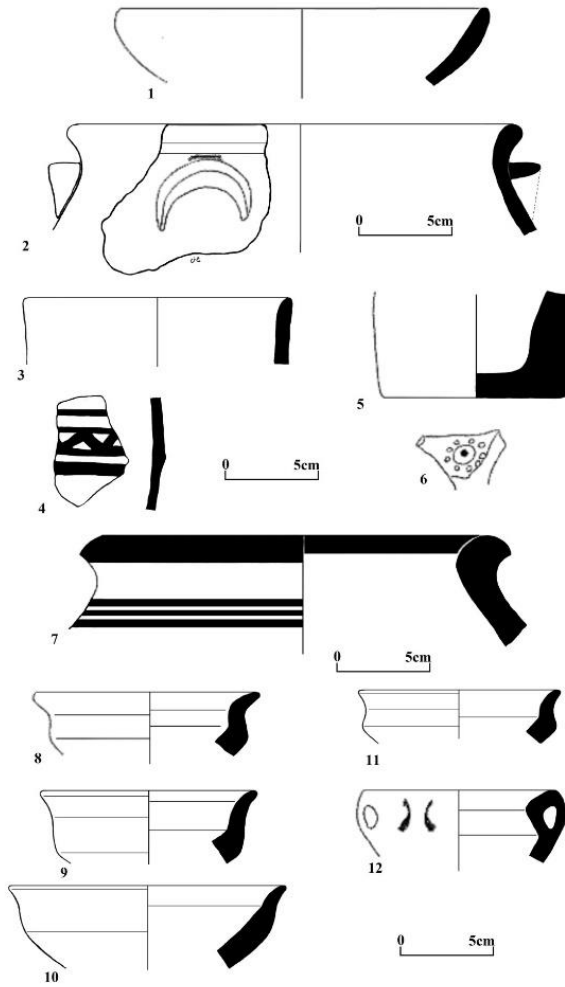
شکل ۸: نمای شرقی محوطه و خانه های امروزی روستا در دامنه شرقی آن (ع.نوراللهی).



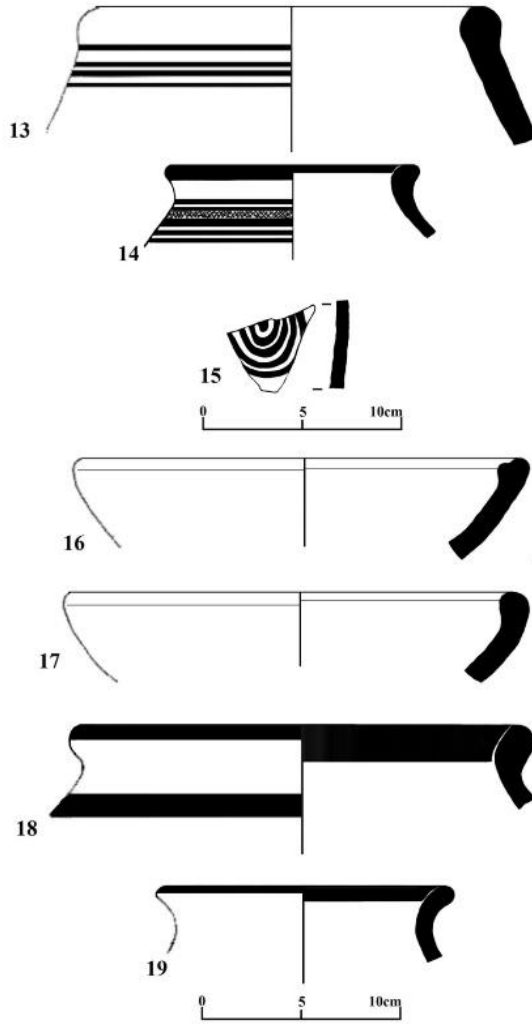
شکل ۹: برداشت خاک توسط کشاورزان و چشم انداز جنوب محوطه (ع.نوراللهی).



شکل ۱۰: نمای شمالی محوطه و آثار منازل روستای قدیم و کوه گرو (ع.نوراللهی).



شکل ۱۱: طرح سفال های سطحی بخش شریف آباد A (ع. نوراللهی).

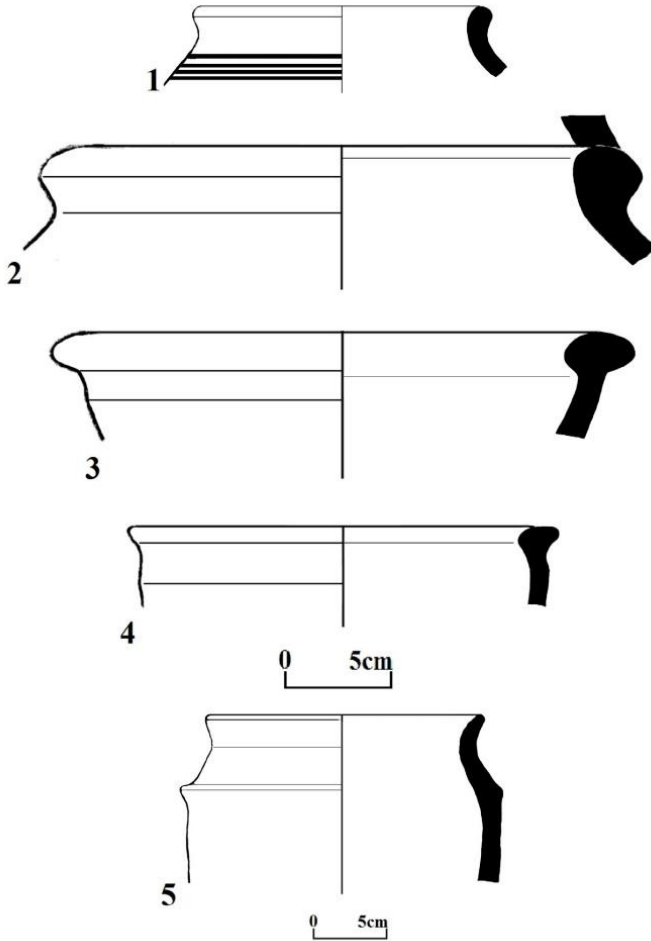


شکل ۱۱: طرح سفال های سطحی بخش شریف آباد A (ع.نوراللهی).

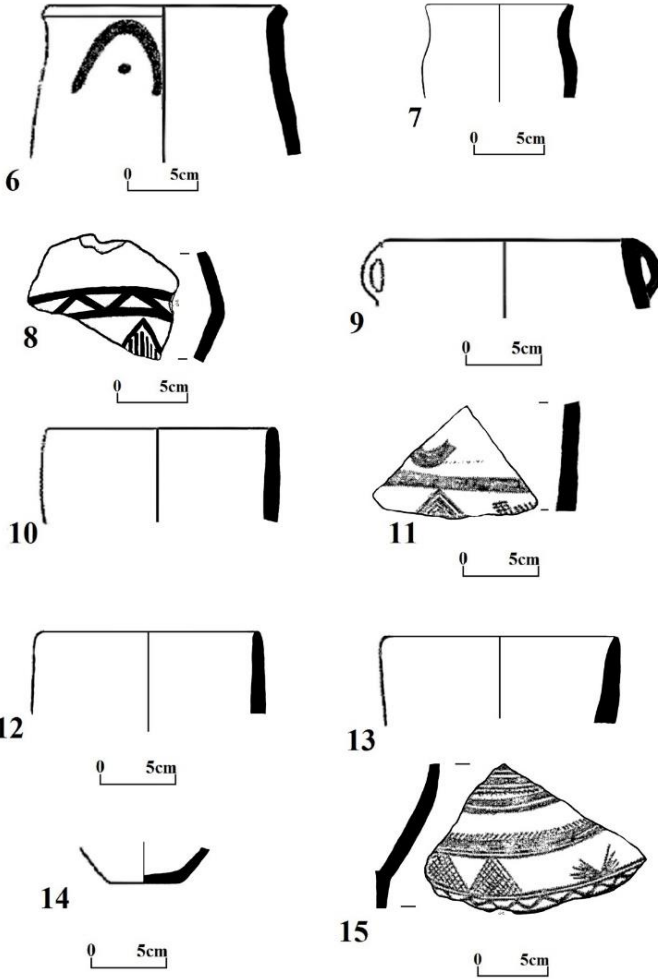
شماره	نام محوطه	توضیحات (خمیره، تمپر، شیوه ساخت، حرارت، ضخامت،.....)	گاهنگاری
۱	شریف آباد A	نخودی - ماسه نرم - چرخ ساز - حرارت کافی - ساده - متوسط - لبه	گودین II
۲	شریف آباد A	نخودی - شن و ماسه نرم - چرخ ساز - حرارت کافی - ساده - ظریف - لبه (آشپزخانه ای)	گودین III6
۳	شریف آباد A	نخودی - ماسه نرم - چرخ ساز - حرارت کافی - ساده - ظریف - لبه	گودین II
۴	شریف آباد A	کرم - ماسه نرم - چرخ ساز - حرارت کافی - منقوش (نقوش هندسی به رنگ سیاه) - ظریف - بدنه	گودین III4 6
۵	شریف آباد A	نخودی - شن و ماسه نرم - چرخ ساز - حرارت کافی - ساده - خشن - کفه	گودین III4
۶	شریف آباد A	نخودی - ماسه نرم - چرخ ساز - حرارت کافی - ساده - متوسط - دسته	اسلامی
۷	شریف آباد A	نخودی - شن و ماسه نرم - چرخ ساز - حرارت کافی - منقوش - خشن - لبه	گودین III4 6
۸	شریف آباد A	خاکستری ماسه نرم - چرخ ساز حرارت زیاد - ساده - متوسط	گودین IV
۹	شریف آباد A	خاکستری - ماسه نرم - چرخ ساز - حرارت زیاد - ساده - متوسط	گودین IV
۱۰	شریف آباد A	خاکستری - ماسه نرم - چرخ ساز - حرارت زیاد - ساده - متوسط	گودین IV
۱۱	شریف آباد A	خاکستری - ماسه نرم - چرخ ساز - حرارت زیاد - ساده - متوسط	گودین IV
۱۲	شریف آباد A	نخودی - شن دانه درشت - چرخ ساز - حرارت کافی - ساده - متوسط - لبه دسته دار	گودین IV
۱۳	شریف آباد	نخودی - ماسه نرم - چرخ ساز - حرارت کافی - منقوش با	گودین III2

6	نقش کنده-ظریف-لبه	A	
گودین-III2	نخودی- ماسه نرم-چرخساز-حرارت کافی-منقوش ظریف-لبه	شریف آباد A	۱۴
گودین-III2 6	گرم- ماسه نرم - چرخساز- حرارت کافی منقوش - متوسط-بدنه	شریف آباد A	۱۵
گودین II	نخودی- ماسه نرم- چرخساز - حرارت کافی- ساده - متوسط-لبه	شریف آباد A	۱۶
گودین II	گرم - ماسه نرم- چرخ ساز - حرارت کافی- ساده - متوسط ، لبه	شریف آباد A	۱۷
گودین-III2 6	گرم- ماسه نرم - چرخساز- حرارت کافی - منقوش ظریف-لبه	شریف آباد A	۱۸
گودین-III2 6	نخودی- ماسه نرم - چرخساز-حرارت کافی- منقوش - متوسط - لبه	شریف آباد A	۱۹

جدول ۲: شرح سفالهای شریف آباد A



شکل ۱۲: طرح سفال های سطحی بخش شریف آباد B (ع.نوراللهی).



شکل ۱۲: طرح سفال‌های سطحی بخش شریف آباد B (ع. نوراللهی).

شماره	نام محوطه	توضیحات ((خمیره، تمپر، شیوه ساخت، حرارت، ضخامت،.....))	گاهنگاری
۱	شریف آباد B	نخودی- ماسه با ذرات آهک -چرخساز -حرارت کافی- لعاب گلی- منقوش- ظریف-لبه	گودین III4-6
۲	شریف آباد B	آجری- خرده سفال با ذرات آهک- چرخساز -حرارت کافی- لعاب گلی- منقوش- متوسط -لبه	گودین III4-6
۳	شریف آباد B	نخودی- ماسه نرم- چرخساز -حرارت کافی- ساده - متوسط -لبه	دوران تاریخی
۴	شریف آباد B	نخودی- ماسه، ذرات آهک - چرخساز -حرارت ناکافی- لعاب گلی-ساده-ظریف-لبه	دوران تاریخی
۵	شریف آباد B	آجری- خرده سفال با ذرات آهک-چرخساز-حرارت کافی- لعاب گلی -ساده-متوسط-لبه	گودین II
۶	شریف آباد B	آجری-ماسه نرم- چرخساز -حرارت کافی- لعاب گلی- منقوش (نقش افزوده) - ظریف-لبه	گودین III4-6
۷	شریف آباد B	آجری- خرده سفال با کانی- چرخساز -حرارت کافی دوزده لعاب گلی -ساده- ظریف-لبه(آشپزخانه ای)	دوران تاریخی
۸	شریف آباد B	نخودی- ماسه با ذرات آهک و کانی- چرخساز -حرارت ناکافی- لعاب گلی -منقوش- ظریف-بدنه	گودین III4-6
۹	شریف آباد B	قرمز براق -ماسه نرم -چرخساز-حرارت کافی-ساده- متوسط -لبه با دسته	گودین III4-6
۱۰	شریف آباد B	قرمز براق- ماسه نرم- چرخ ساز -حرارت کافی- ساده- ظریف-لبه	گودین III4-6
۱۱	شریف آباد B	نخودی- کانی و ماسه نرم- چرخساز-حرارت کافی- منقوش- متوسط -بدنه	گودین III4-6
۱۲	شریف آباد B	قرمز براق -کانی و ماسه نرم-چرخساز -حرارت کافی- ساده- ظریف-لبه	گودین III4-6
۱۳	شریف آباد B	قرمز براق -ماسه نرم -چرخساز -حرارت ناکافی-ساده-	گودین III4-6

	متوسط- لبه	آباد B	
گودین 6-III4	نخودی- کانی و ذرات میکا- چرخساز- حرارت کافی- ساده- ظریف- کفه	شریف آباد B	۱۴
گودین 6-III4	نخودی- ماسه نرم- چرخساز- حرارت کافی- لعاب گلی- منقوش (نقوش هندسی به رنگ قهوه ای)- ظریف- بدنه	شریف آباد B	۱۵

جدول ۳: شرح سفال‌های تپه شریف آباد B

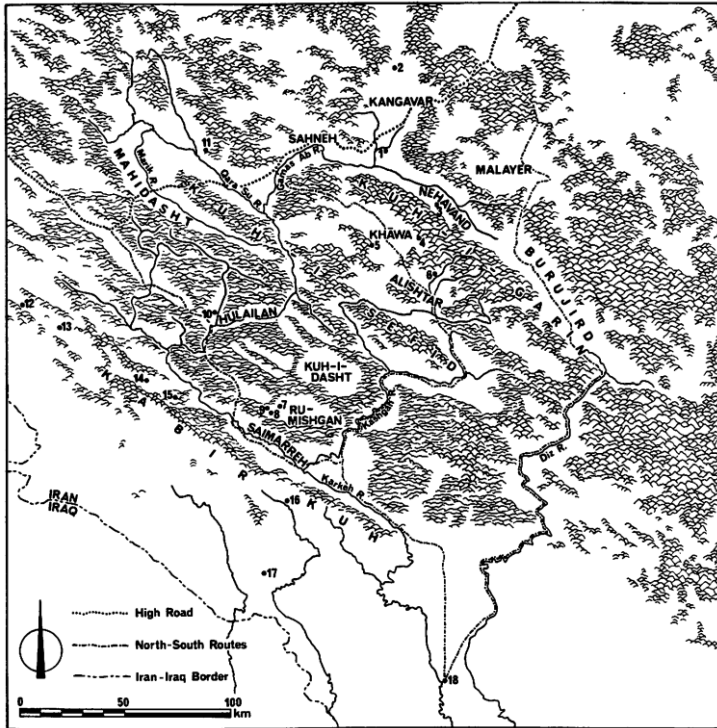
گاه نگاری

به علت مخدوش بودن لایه نگاری گیان و اینکه کاوشگران آن از روش متریک برای ثبت و ضبط تغییرات لایه‌ها استفاده کرده بودند، متأسفانه علی‌رغم کاوش گسترده، توالی فرهنگی و گاه‌نگاری در آن قابل اعتماد نیست و نمی‌توان برای گاه‌نگاری یافته‌های باستان‌شناسی دشت نهاوند به آن استناد کرد. تاکنون پیشنهادهای مختلفی برای تصحیح گاه‌نگاری گیان ارائه شده است که مهم‌ترین آن گاه‌نگاری هنریکسون است که بر پایه لایه‌نگاری و داده‌های باستان‌شناسی گودین انجام گرفته است (Henrickson, 1982, 1984) (شکل ۱۴). گاه‌نگاری دوره گودین III در تپه گودین بر اساس منابع تاریخی بین‌النهرین و سپس تسلسل فرهنگی دشت خوزستان تنظیم شده است^۵ و این موضوع در مدارک سفالی به خوبی بازتاب یافته و تأیید شده است. بر این اساس با پایان گودین IV: lal در حدود ۲۷۰۰ پ.م. (Potts 2013:207 ; Rothman & Badler, 2011) و گودین III در برگیرنده بازه زمانی ۲۶۰۰-۱۴۰۰ پ.م. است (Henrickson, 1985:570). گودین III به شش فاز تقسیم شده، گودین III₆ (۲۶۰۰-۲۳۰۰ پ.م.)، III₅ (۲۲۵۰-۲۱۵۰ پ.م.)، III₄ (۲۱۰۰-۲۰۰۰ پ.م.)،

^۵- بنگرید به یانگ و هروی ۱۳۶۶

III₃ (در این زمان گودین چندین بار دچار وقفه شده است. بنابراین، گاه‌نگاری مشخصی برای آن ارائه نشده است)، III₂ نشان‌دهنده اوج همگونی فرهنگی و بیانگر رشد اقتصادی و شکل‌گیری سازمان‌های سیاسی یکپارچه در زاگرس مرکزی است؛ (Henrickson, 1983, 1986; Henrickson, 2011). III₁ نیز به صورت محدود در گودین‌شناسایی و کاوش شده است (Henrickson 1984) (شکل ۱۳ و جدول ۱۵).

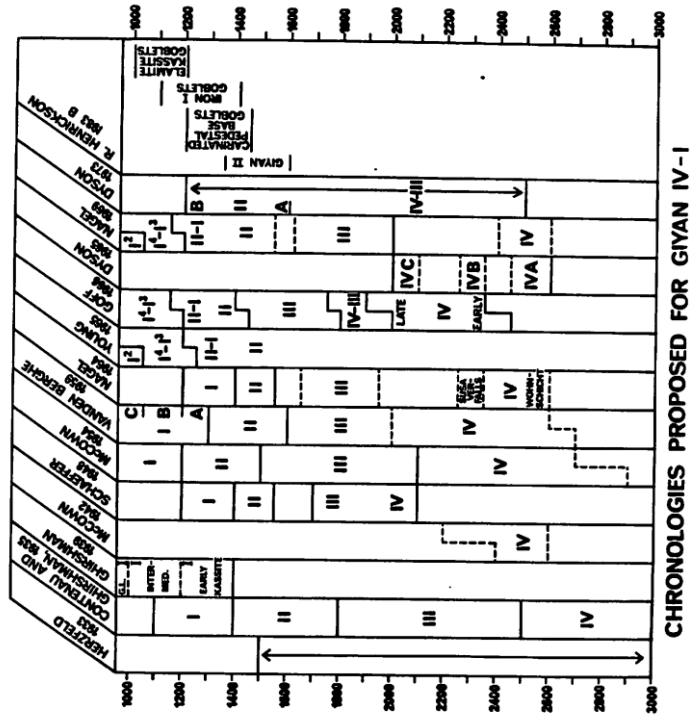
در بررسی سطحی محوطه شریف آباد A و B سفال‌هایی از دوره گودین IV و III و عصر آهن به دست آمد. سفال‌هایی متعلق به دوران تاریخی (اشکانی - ساسانی) و اسلامی نیز، در سطح محوطه به صورت پراکنده در بررسی سطحی جمع‌آوری گردید. با توجه به حجم انباشت رسوبات در اطراف این محوطه احتمالاً وسعت آن بیشتر است که بخشی از آن توسط رسوبات پوشانده شده است. از طرفی، در میان زمین‌های کشاورزی اطراف، سفال‌های متعلق به دوره تاریخی تا اسلامی به صورت پراکنده دیده می‌شود. این محوطه استقرار براساس بررسی دارای استقرارهایی از دوره مفرغ قدیم تا عصر حاضر (آثار دیوارها و منازل خشتی و چینه روستائیان و همچنین، برخی از منازل مسکونی که بر روی بخشی از آن بنا شده) می‌باشد. هرچند که در برخی از دوران‌ها آثاری بدست نیامده است. ممکن است در این دوران‌ها این محوطه متروک شده و استقرار در آن دچار وقفه گردیده باشد. تنها کاوش‌های علمی باستان‌شناسی می‌تواند راهگشای این موضوع باشد.



SITES IN CENTRAL WESTERN IRAN ca. 2600 - 1500 B.C.

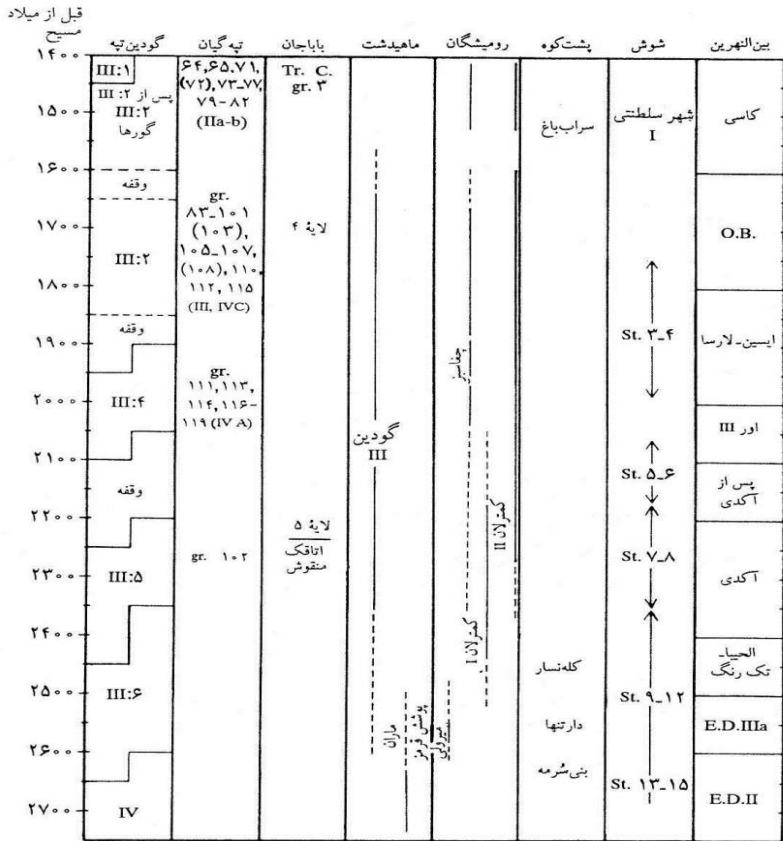
- | | | | | |
|------------------|------------------|-----------------|------------------|----------------|
| 1. GODIN TEPE | 2. BAD KHOREH | 3. TEPE GIYAN | 4. TEPE JAMSHIDI | 5. BABA JAN |
| 6. GIRAIRAN | 7. KAMTARLAN | 8. CHIGHA SABZ | 9. MIRVALI | 10. TEPE GURAN |
| 11. CHOCHA MARAN | 12. KALLEH NISAR | 13. BANI SURMAH | 14. MIR KHAIR | 15. DAR TANHA |
| 16. QABR NAHI | 17. TEPE ALIABAD | 18. SUSA | | |

ش کل ۱۳: محوطه های عصر مفرغ زاگرس مرکزی (گودین III) (Henrickson, 1984).



شکل ۱۴: گاه نگاری پیشنهادی توسط باستانشناسان برای محوطه گیان

(Henrickson, 1984)



جدول ۱۵: گاه‌نگاری غرب مرکزی ایران در سال‌های ۲۶۰۰-۱۴۰۰ پ.م.
(هنریکسون ۱۳۸۱: شکل ۶۴).

جمع بندی

محوطه شریف آباد (A و B) در فاصله ۴۰۰ متری از کرانه شمالی گاماسیاب و در میان رسوبات آبرفتی واقع است. این محوطه با توجه به وسعت زیاد آن به صورت دو بخش مجزا از هم بررسی شد. هرچند داده‌های سطحی جمع‌آوری شده از سطح هر دو بخش یکسان و همانند هستند و هیچگونه ناهمگونی بین داده‌های سطحی مشاهده نمی‌شود.

شود؛ بخش A بلندتر بخش B است. این اختلاف ارتفاع شاید متعلق به سازه‌های معماری باشد که در ادوار تاریخی و اسلامی بر روی آن ایجاد شده است. به ویژه اگر ارتفاع این بخش (A) را مدنظر قرار دهیم، به گمان این بخش اربابی یا ارگ این محوطه استقرار یافته است.

شکل‌گیری و مکان‌یابی این محوطه استقرار به علت دسترسی به آب رودخانه گاماسیاب بوده است. هرچند امروزه این رودخانه از ۴۰۰ متری جنوب شرق آن می‌گذرد؛ اما با توجه به اینکه این رودخانه در مسیر خود با پیچ و خم‌های زیادی است، در گذشته احتمالاً از نزدیک آن عبور کرده و همچنین، در اینجا رودخانه به سمت جنوب غرب و به طرف کنگاور تغییر مسیر می‌دهد. جریان ملایم آن در این قسمت که همراه با رسوب‌گذاری است، سبب حاصلخیزی زمین شده و جریان آب تقریباً بر زمین‌های کشاورزی سوار است، در گذشته و حال استفاده از آب آن به صورت جدا سازی کانال‌ها و جوی‌ها برای آبیاری زمین‌های کشاورزی را فراهم آورده است. به نظر می‌رسد در ادوار مختلف برای جلوگیری خسارت‌های ناشی از سیل و طغیان این رودخانه، فاصله ایمن و حریم آن را رعایت کرده‌اند. این محوطه استقرار محل به هم پیوستن راه‌های است که از دشت کنگاور، دشت هرسین و صحنه به نهاوند و مناطق شرقی آن است. امروزه در کناره مسیر قدیم مبادلاتی و ارتباطی که از نهاوند به کنگاور می‌رود قرار گرفته و در دوران عصر مفرغ و آهن به عنوان یک حلقه ارتباطی بین محوطه‌های شرق نهاوند و نورآباد و بروجرد و گیان با گودین که در این زمان‌ها یکی از مراکز عمده سیاسی و اقتصادی بوده، نقش ایفا می‌کرده و در آن شرکت داشته است. این موضوع در همگونی داده‌های سفالی این محوطه با گودین II و III بازتاب یافته است. علاوه بر آنچه گفته شد، این محوطه با شمال غرب و محوطه‌های

حوزه دریاچه ارومیه به ویژه در دوره گودین IV که در شمال غرب با نام فرهنگ کورا ارس شناخته می‌شود، دارای تبادلات و ارتباطات فرهنگی بوده، شاید این تبادلات از مسیر گودین تپه در گنگاور انجام می‌گرفته است. به هر رو، داده‌های سطحی نشان دهنده تداوم استقرار در این محوطه از دوره مفرغ قدیم (گودین IV) تا عصر آهن و دوران تاریخی و اسلامی می‌باشد. ممکن است در برخی از این دوران‌ها این تداوم دچار گسیختگی و گسست شده باشد، این موضوع فقط در پرتو کاوش‌های علمی باستان‌شناسی روشن خواهد شد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. - افراسیاب پور، علی اکبر؛ (۱۳۸۱)، جغرافیای تاریخی نهاوند، قم: انتشارات زهیر.
۲. - ایراندوست، محمود؛ (۱۳۷۹)، نهاوند در دوره ساسانیان بر اساس مطالعات باستان‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۳. - رهبر، مهدی و سجاد علی‌بیگی؛ (۱۳۹۰)، گزارش پژوهش‌های باستان‌شناختی به منظور مکان‌یابی معبد لانودیسه در نهاوند، مجله پیام باستان‌شناسی، سال هشتم، بهار و تابستان، شماره ۱۵، صص ۱۳۳-۱۶۰.
۴. - شایان، سیاوش؛ (۱۳۷۸)، تعیین محدوده طبیعی شهرستان نهاوند، فصلنامه فرهنگیان شماره ۱، تهران: انتشارات بنیاد علیمرادیان.
۵. - سیدان، سیدشمس‌الدین؛ (۱۳۷۹)، نهاوند در هزاره‌های تاریخ، انتشارات آشتی، تهران.
۶. - سعیدی هرسینی، محمدرضا؛ (۱۳۸۴)، گزارش بررسی حوزه رودخانه گاماسیاب، سازمان میراث فرهنگی کشور (منتشر نشده).

۷. - سراقی، نعمت‌الله؛ (۱۳۸۴)، بررسی باستان‌شناختی دشت نهاوند، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری استان همدان.
۸. - خاکسار، علی؛ (۱۳۹۱)، گمانه زنی به منظور تعیین عرصه تپه باستانی گیان، نهاوند، چکیده مقاله‌های یازدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور، ۱۵۹.
۹. - سیدسجادی، سیدمنصور و نوروزعلی سامانی؛ (۱۳۷۸)، گزارش یک فصل کاوش در تپه نورآباد، لرستان، در باستان‌شناسی و هنر ایران (۳۲) مقاله در بزرگداشت عزت‌الله نگهبان، به کوشش: عباس‌علیزاده، یوسف مجیدزاده و صادق ملک شه میرزادی، تهران: نشر- دانشگاهی، صص ۸۵-۱۳۰.
۱۰. - سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح؛ (۱۳۸۰)، فرهنگ جغرافیایی شهرستان‌های کشور: شهرستان همدان، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۱. - طلایی، حسن، علی‌نوراللهی، بهمن‌فیروزمندی؛ (۱۳۹۳)، قوم باستان‌شناسی کوچ‌نشینان و ایل‌راه‌های غرب زاگرس مرکزی، جامعه‌شناسی تاریخی، پاییز و زمستان، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۶۳ تا ۱۹۵.
۱۲. - طلایی، حسن، چایچی امیرخیز، احمدسعیدی، هرسینی، محمدرضا؛ (۱۳۸۵)، گزارش مقدماتی بررسی الگوهای استقرار عصر مفرغ دشت نهاوند (سرچشمه کاماسیاب)، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دوره ۵۷، شماره ۵، صص ۴۷-۶۵.
۱۳. - ملکزاده، مهرداد؛ (۱۳۸۲)، گمانه زنی، پی‌گردی، لایه نگاری، تعیین عرصه و حریم مقدماتی تپه گیان، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری استان همدان.
۱۴. - محمدی‌فر، یعقوب و مترجم، عباس؛ (۱۳۸۲)، بررسی باستان‌شناسی بخش خزل نهاوند، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری استان همدان.
۱۵. - میرقادری، محمدمامین و علی هژبری؛ (۱۳۹۲)، تپه ازنهری محوطه‌هایی از عصر مفرغ میانی و جدید در نهاوند، در مجموعه مقالات همایش یکروزه نهاوند (در پاسداشت استاد

- مهدی رهبر) / گردآورنده اسماعیل رحمانی و علی خاکسار، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، صص ۲۰۴-۲۱۲.
۱۶. - نوراللهی، علی، ۱۳۹۴ الف، قوم باستان‌شناسی اسامی برخی از کوه‌ها و رودهای زاگرس مرکزی، فصلنامه زریبار، سال نوزدهم، شماره ۸۷-۸۸، بهار و تابستان، (۳۶۱-۳۸۷).
۱۷. - نوراللهی، علی؛ (۱۳۹۴ ب)، چیا سرخ محوطه‌ای نویافته در حوزه رودخانه قرسو در کرمانشاه، فصلنامه فره‌وشی، سال اول، شماره ۱،
۱۸. - نوراللهی، علی؛ (۱۳۹۰)، بررسی قوم باستان‌شناسی کوچ‌نشینی و ایل راه‌های مناطق شمالی استان ایلام، فصلنامه فرهنگ ایلام، شماره ۳۲-۳۳، صص ۹۳-۱۱۶.
۱۹. - هنریکسون، رابرت؛ (۱۳۸۱)، «گودین III و گاهنگاری غرب مرکزی ایران در حدود ۲۶۰۰-۱۴۰۰ پ.م»، در باستان‌شناسی غرب ایران، فرانک هول (ویراستار)، ترجمه زهرا باستی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، صص ۴۰۴-۴۴۸.
۲۰. - هول، فرانک؛ (۱۳۸۱)، در باستان‌شناسی غرب ایران، فرانک هول (ویراستار)، ترجمه زهرا باستی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۲۱. - یانگ توماس، کایلر و وایز هروی؛ (۱۳۶۶)، بازرگانان شوشی، ترجمه یوسف مجیدزاده، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره ۳، صص ۲-۱۴.

(ب) انگلیسی

1. Burney, C.A., 1964, 'The Excavations at Yanik Tepe, 1962: Third Preliminary Report', Iraq, vol.XXVI, pp.54-61.
2. Burney, C.A., 1973, 'Excavation at Haftavan, 1971: 3rd. Preliminary Report' Iran XI: 158-172.
3. Burton Brown, T., 1951, Excavation in Azerbaijan, 1948. London.
4. Contenau, G. and R, Girshman 1935, Fouilles du Tepe Giyan pres de Nihavend, 1931-1932, Paul Geuthner, Paris.
5. Danti, Michael and Megan Cifarelli, 2015, Iron II Warrior Burials at Hasanlu Tepe, Iran. , Iranica Antiqua, v.1, pp.61-157.

6. Danti, Michael, 2013a, The Late Bronze and Early Iron Age in Northwestern Iran, in *The Oxford Handbook of Ancient Iran*, Ed. Daniel T. Potts, pp. 376-327.
7. Danti, Michael D., 2013b, *Hasanlu V: The Late Bronze and Iron I Periods*, with contributions by Megan Cifarelli, University of Pennsylvania Museum of Archaeology and Anthropology by the University of Pennsylvania Press.
8. Dyson, R. H. and O. W. Muscarella (1989). "Constructing the chronology and historical implications of Hasanlu IV." *Journal of Persian Studies*: 1-27.
9. Dyson, R.H., 1999, Triangle-Festoon Ware Reconsidered, *Iranica Antiqua*, vol. 34, pp. 115-144.
10. Stein, Aurel, 1940, *Old routes of western Iran: Narrative of an archaeological journey carried out and recorded*, Macmillan and Co, London.
11. Rothman, M. S., 2011. Migration and re-settlement in Godin period IV, in: Gopnik, H., and Rothman, M., (eds.), *On the high road: the history of Godin Tepe Iran*, Royal Ontario Museum/Mazda Press, 139-208.
12. Rothman, M. S and Badler, V. R., 2011 *Contact and Development in Godin Period VI*. in:
13. Hilary Gopnik and Mitchell S Rothman (eds.), *On the high road: the history of Godin Tepe Iran*, Royal Ontario Museum/Mazda Press, 67-137.
14. Gopnik, Hilary, 2000, *The Ceramics of Godin II: Ceramic Variability in the Archaeological Record*, PhD thesis, Department of Near and Middle Eastern Civilizations University of Toronto.
15. Gopnik, Hilary, 2011, *The Median Citadel of Godin Period II*, in: Hilary Gopnik and Mitchell S Rothman (eds.), *On the High Road: The History of Godin Tepe Iran*, *Bibliotheca Iranica, Archaeology Art and Architecture series* 1:285-311.
16. Goff, C., 1968. "Lūristān in the first half of the first millennium B.C.: a preliminary report on the First season's excavations at Bābā Jān, and associated surveys in the eastern Pīsh-i-Kūh", *Iran* 6: 105-134.
17. Goff, C., 1971. "Luristan before the Iron Age", *Iran* 9: 131-152.
18. Goff, C., 1976. "Excavations at Baba Jan: the Bronze Age occupation", *Iran*, vol. 14, pp. 19-40.

19. Hamlin, Carol, 1973, the 1971 Excavation at seh Gabi, Iran, *Archaeology*, vol.26, pp.224-227.
20. Hamlin, Carol, 1974, The Early Second Millennium Ceramic Assemblage of Dinkha Tepe, Iran, vol. XII, pp125-155.
21. Hemati Azandaryani, E. and A. Khaksar, 2013. "A newly-found diagnostic Bronze-Age burial from Tapeh Giyan, Nahavand, Iran", *Archaeology* 2 (3): 47-51.
22. Herzfeld, E., 1929. "Bericht liber archaologische beobachtunggen im Sudlichen Kurdistan und im Luristan", *AMI* 1: 65-73.
23. Henrickson, R. C. 1983. "Šimaški and Central Western Iran: The Archaeological Evidence." *Zeitschrift für Assyriologie* 74: 98–122.
24. Henrickson, R. C. 1985. The Chronology of Central Western Iran 2600-1400 B. C., *American Journal of Archaeology* 89 (4): 569-581.
25. Henrickson, R. C. 1986. A Regional Perspective on Godin III Cultural Development in Central Western Iran, *Iran* 24: 1-55.
26. Henrickson, R. C. 2011. The Godin Period III Town. In: Hilary Gopnik and Mitchell S Rothman (eds.), *On the High Road: The History of Godin Tepe Iran*, *Bibliotheca Iranica, Archaeology Art and Architecture series* 1: 209-282.
27. Henrickson, R. C., 1984. *Godin Tepe, Godin III, And Central Western Iran, 2600-1500 B.C.* Ph.D. Dissertation, Department of Near Eastern Studies, University of Toronto.
28. Henrickson, R. C. 1989. The Buff and the Grey: Ceramic Assemblages and Cultural Process in the Third Millennium B.C. Central Zagros, Iran. In *Cross-Craft and Cross-Cultural Interaction in Ceramics IV*, edited by M. R. Notis and P. E. McGovern, 81–146. Westerville, OH: American Ceramic Society.
29. Henrickson, R. C., 1982, the Bronze Age in Northwestern, Western and Southwestern Persia", in *Encyclopedia Iranica*, E. Yār Shāter (Ed), London and New York Routledge.
30. Howell, R., 1979. Survey of the Malayer Plain, Iran, *XVII*: 156-157.
31. Khatchadourian, L. 2018, Pottery typology and craft learning in the Near Eastern highlands, *Iranica Antiqua*, vol.53, pp.179-265.
32. Muscarella, O.W., 1974, the Iron Age at Dinkha Tepe, Iran, *Metropolitan Museum Journal* 9: 35-90.

33. Mason, R., and Cooper, L. 1999. Grog, Petrology, and Early Transcaucasians at Godin Tepe, Iran, Vol. XXXVII, pp. 25-31.
34. Potts, D. T. 2013. Luristan and the central Zagros in the Bronze Age. In: Pott, D. T. (Ed), the Oxford Handbook of Ancient Iran. Oxford University Press: 203- 217.
35. Pullar J. 1990. Tepe Abdul Hosain: a Neolithic Site in Western Iran. Excavations 1978. BAR IS 563. Archaeopress. Oxford.
36. Pullar, J., 1975, the Neolithic of the Iranian Zagros, Thesis (Ph.D.), University College London (University of London).
37. Voight, Mary. M and Robert, H. Jr Dyson, 1992, "The chronology of Iran Ca. 8000-2000 B.C", in Chronology of old world, Third edition, Robert Erich (Ed), University of Chicago Press, Vol. 1, Pp: 122-178, Vol. 2, Pp: 125-153.
38. Young, T. C., and L. D. Levine. , 1974, Excavations of the Godin Project: Second Progress Report. Toronto: Royal Ontario Museum.
39. Young, T., Cuyler. Jr, 1969, Excavation at Godin Tepe: First progressive report, Royal Ontario Museum (ROM).
40. Young, T. C. Jr. and Smith, P. E. L. 1966. Research in the Prehistory of Central Western Iran, American Association for the Advancement of Science 153 (3734): 386-391.

Sharifabad Hill, a Settlement Area on the Banks of the Gamasiab River in the Central Zagros . Dr. Ali Noorollahi

Abstract

Sharifabad or Solgi hill (A&B) is one of the few large settlement areas of Gamasiab river basin in Nahavand plain. This area is the intersection of ancient and old roads that go from Sahne, Harsin and Kangavar to Nahavand and Gyan area. In the study of this area, pottery from the Old Bronze Age (Godin IV-Yaniq - Kora Aras) and pottery related to Godin III, II and pottery of the historical period were obtained. The study of these potteries shows the extensive cultural exchanges of the inhabitants of this settlement area in the Bronze and Iron Ages with the northwestern and neighboring areas. In addition, the study of the surrounding situation of this settlement area gives us a complete view of the way of life and the use of biological resources and interaction with the environment. Among the reasons for the location and development of this settlement in the Bronze and Iron Age, which was affected by water resources and easier access to it (water supply canals) and fertile agricultural lands, has been studied. In this article, while providing a brief overview of the geographical situation of the region and the history of archaeological research conducted in Nahavand, the situation of Sharifabad area, its cultural features have been studied, described, analyzed chronologically.

Keywords: Central Zagros, Bronze Age, Iron Age, Nahavand Plain, Sharifabad Hill